



مدیریت آموزش و پرورش ناحیه سه کرمانشاه
کارشناسی تکنولوژی و گروه های آموزشی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه
فارسی پایه نهم
درس ششم (آداب زندگانی) ، حکایت (شو ، خطر کن!)
مدرسین: لیلا پورولی و پریسا عزیزی
با نظارت علمی سرگروه آموزشی ، آقای ولی کیانی پور
سال تحصیلی:
۱۴۰۱ - ۱۴۰۰



بدان که مردم بی هنر، مادام بی سود باشد، چون مغیلان که تن دارد و سایه ندارد؛ نه خود را سود کند و نه غیر خود را؛ جهد کن که اگر چه اصیل و کوهری باشی، کوهر تن نیز داری که کوهر تن از کوهر اصل بهتر بود؛ چنان که گفته اند: بزرگی، خرد و دانش راست نه کوهر را، اگر مردم را با کوهر اصل، کوهر هنر نباشد، صحبت هیچ کس را به کار نیاید و در هر که این دو کوهر یابی، چنگ در وی زن و از دست مگذار که وی همه را به کار آید....

معنای واژگان مهم :

مادام: تازمانی ، همیشه

مغیلان: گیاه خاردار ؛ این کلمه در اصل « ام غیلان ، غولان » بوده است، به معنی مادر غولان و دیوها ؛ چون تصور بر این بوده است که غول ها و دیوان زیر بوته ها پنهان می شوند و مسافران و اهل کاروان را گمره می کنند.

جهد: تلاش ، کوشش

گوهری: با اصل و نسب

اصیل: با اصالت، با اصل و نسب

صحبت: همنشینی (در اینجا)

دانش های ادبی:

تشبیه: مردم بی هنر به مغیلان / گوهر اصل: اضافه تشبیهی /

به کار آمدن: کنایه از مورد استفاده قرار گرفتن / چنگ در زدن: کنایه از متوسل

شدن / از دست گذاشتن: کنایه از رها کردن

معنای برخی از عبارت ها:

نه خود را سود کند و نه غیر خود را: نه برای خود سودی به همراه دارد و نه برای دیگران.

جهد کن که اگر چه اصیل و گوهری باشی، گوهر تن نیز داری: تلاش کن که هرچند با اصل و نسب هستی، علم و معرفت هم داشته باشی (استاد غلامحسین یوسفی در معنای این عبارت گفته اند: باید کوشش کنی تا هرچند اصل و نسب عالی داشته باشی خود نیز ارزش و شخصیتی کسب کنی).

توضیح: هنر در حقیقت علم و خرد است که در کلام بسیاری از علما و شعرا همچون فردوسی بزرگ، دارای اهمیت فراوانی است زیرا که انسان بی خرد همچون درخت بی بر است لذا گوهر تن، خرد است که به همراهی گوهر اصل (اصل و نسب) شایستگی همنشینی را فراهم می آورد. در کلام مولای متقیان علی علیه السلام نیز آمده است: (الشرف بالعقل و الادب لا بالاصل و النسب).

گوهر تن از گوهر اصل بهتر بود: علم و خرد از داشتن اصل و نسب و نژاد بهتر است
بزرگی، خرد و دانش راست نه گوهر را: بزرگ بودن به علم و دانش است نه به اصل و نسب.
صحبت هیچ کس را به کار نیاید: برای همنشینی هیچ کس مفید نخواهد بود.

چنگ در وی زن: به او متوسل شو.

از دست مگذار: رهاش مکن.

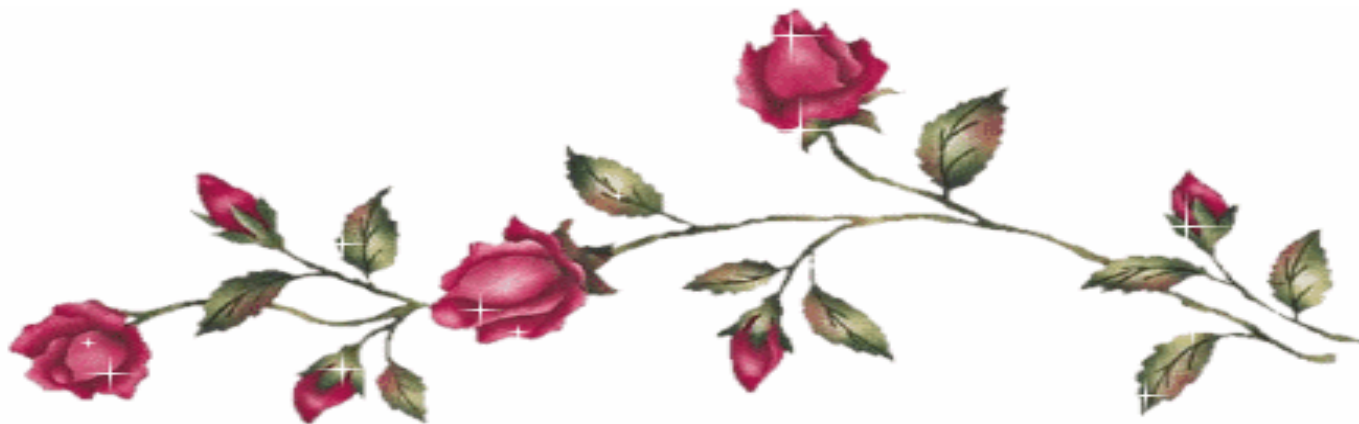
وی همه را به کار آید: وی برای همه مفید است.



سخن، ناپرسیده مکوی و از گفتار خیره پرهیز کن. چون باز پرسند، جز راست
مکوی. تا نخواهند، کس را نصیحت مکوی و پند مده؛ خاصه کسی را که پند نشنود که او
خود او فتد. در میان جمع هیچ کس را پند مده. از جای تهمت زده پرهیز کن و از یار
بداندیش و بدآموز بگریز. به غم مردمان شادی مکن تا مردمان نیز به غم تو شادی
نکنند. داده تا دادیابی. خوب گوی تا خوب شنوی. اگر طالب علم باشی، پرهیزگار
و قانع باش و علم دوست و بُردبار و کم سخن و دوراندیش.

معنای واژگان مهم :

خیره: بیهوده // باز پرسند: سؤال کنند // خاصه: مخصوصاً // تهمت :
گمان بد ، نسبت ناروا دادن به کسی
جای تهمت زده : جای بدنام // بد اندیش: بد فکر // داد: عدل // قانع:
خرسند، راضی // بردبار: صبور // دوراندیش: عاقبت نگر
دانش های ادبی:
خود اوفتد: کنایه از اینکه به تجربه درخواهد یافت
غم و شادی: تضاد
آرایه تکرار در بعضی از عبارت ها



معنای برخی از عبارات ها :

از گفتار خیره پرهیزکن: از سخنان بیهوده دوری کن
چون بازپرسند: وقتی سوال کنند
خاصه کسی را که پند نشنود که او خود اوفتد: مخصوصاً کسی که پند
را نمی پذیرد زیرا او خودش به تجربه دریافت خواهد کرد
از جای تهمت زده پرهیز کن: از مکانی که ممکن است مورد تهمت
قرار بگیری دوری کن (از مکان های بدنام دوری کن)
داد ده تا داد یابی: عدالت و انصاف را در حق دیگران رعایت کن تا
دیگران آن را نیز در حق تو رعایت کنند.

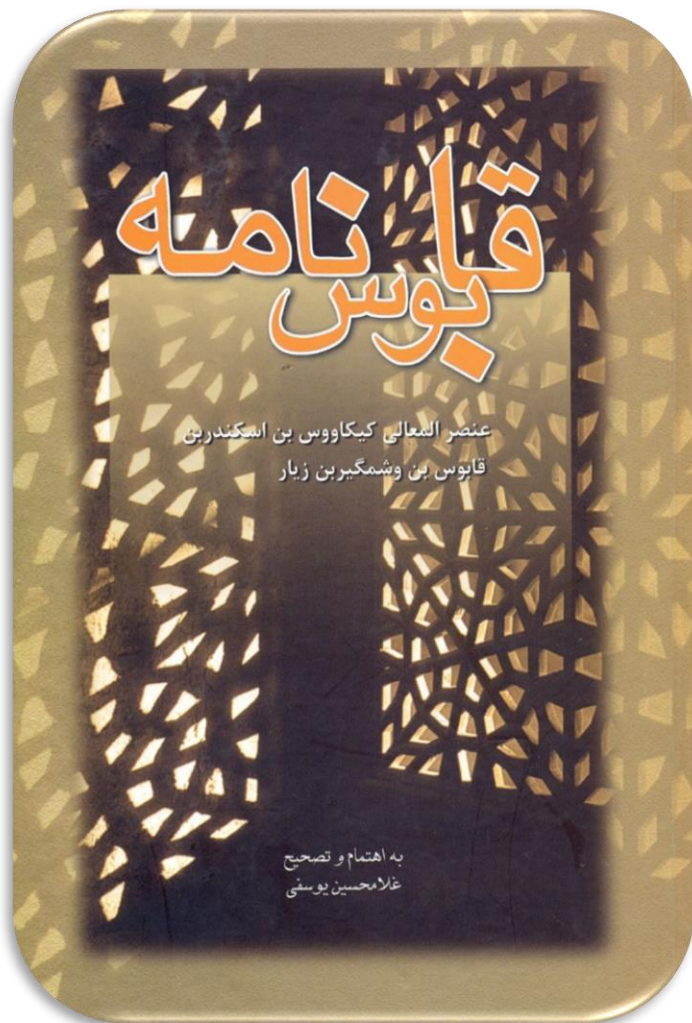


قابوس نامه:

این کتاب با نثری ساده، تألیف عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر از امرای دانشمند آل زیار است که در سال ۴۷۵ هجری قمری نوشته شده است. این کتاب از نام نویسندگان گرفته شده است و موضوعی اخلاقی و تربیتی دارد. مؤلف این کتاب را برای تربیت فرزندش گیلانشاه نوشته است.

این درس از باب ششم کتاب قابوسنامه با نام «در فزونی گهر از فزونی خرد و هنر» برداشت شده است. محتوای این درس: آموزش اخلاق زندگی و تربیت در سخن گفتن

لحن درس: تعلیمی و آموزشی

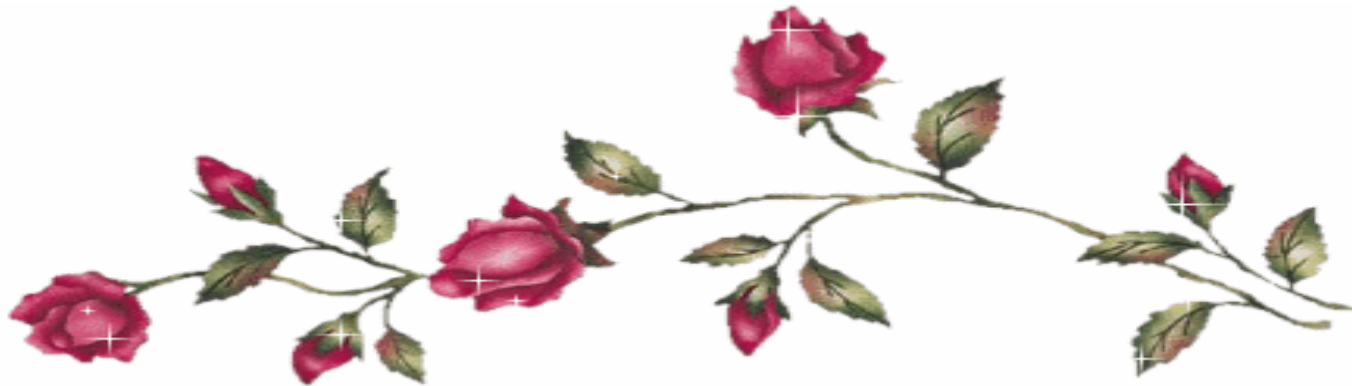




آدمی باید که بسیار نگوید و سخن دیگری به سخن خود قطع نکند. اگر سؤال از جماعتی کنند که او داخل آن جماعت بود، برایشان سبقت ننمایند و اگر کسی به جواب مشغول شود، او بر بهتر جوابی از آن، قادر بود، صبر کند تا آن سخن، تمام شود، پس جواب خود بگوید بر وجهی که در مقدم طعن نکند و در محاوراتی که به حضور او میان دو کس رود، خوض ننماید و اگر از او پوشیده دارند، استراق سمع نکند و تا او را با خود در آن مشارکت ندهند، مداخلت نکند.

معنای واژگان مهم :

جماعت: گروه ، دسته // **سبقت:** پیشی گرفتن // **قادر:** توانا // **وجه:** صورت ، گونه //
متقدم: پیشین ، دارای تقدم // **طعن:** سرزنش // **محاورات:** جمع محاوره ، گفت و گوها ،
گفتارها // **خوض کردن:** در امری اندیشیدن ، به عمق و ژرفای چیزی فرورفتن //
استراق سمع: پنهانی گوش دادن // **مشارکت:** در کاری شرکت کردن // **مداخلت:** در
کاری دخالت کردن.



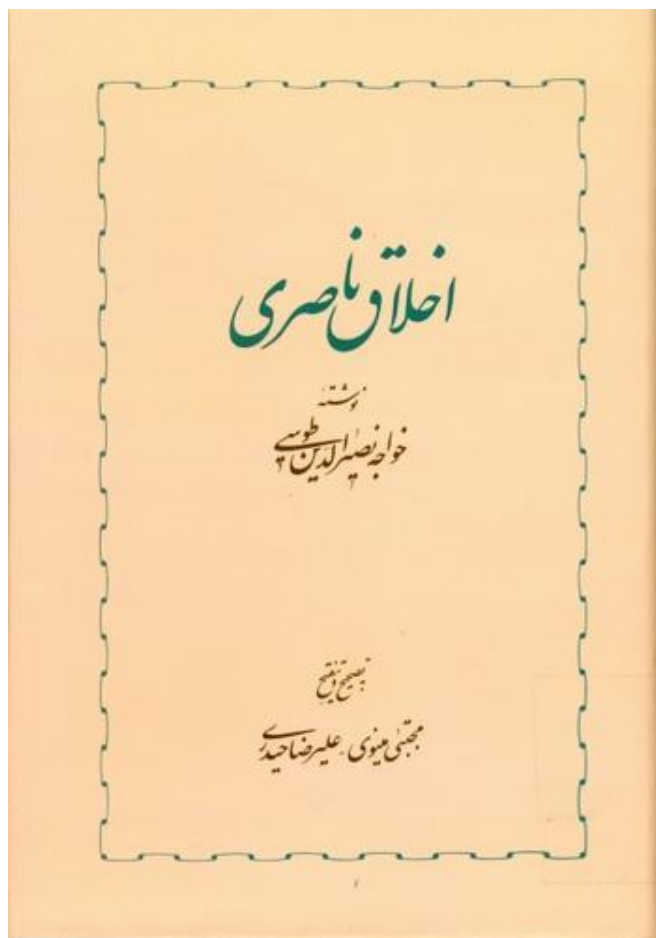
معنای برخی از عبارت ها :

بر ایشان سبقت ننماید: از آنها پیشی نگیرد.

اگر کسی به جواب مشغول شود ، او بر بهتر جوابی بر آن قادر بود ، صبر کند تا آن سخن تمام شود: اگر شخصی مشغول به پاسخ دادن شود و او بتواند پاسخ بهتری را بدهد، باید صبر کند تا سخن آن شخص تمام شود.

پس جواب خود بگوید بر وجهی که در متقدم طعن نکند: سپس پاسخ خود را بگوید به گونه ای که باعث سرزنش نفر پیشین نشود (از نظر اخلاقی به گونه ای پاسخ بدهد که باعث شرمندگی نفر قبل که پاسخ داده ، نشود).

در محاوراتی که به حضور او میان دو کس رود ، خوض ننماید: در گفت و گوهایی که در نزد او بین دو نفر صورت می گیرد، دقت نکند (به عمق سخن دیگران فرو نرود).



کتاب اخلاق ناصری نوشته ابوجعفر
نصیرالدین محمد بن حسن توسی مشهور
به خواجه نصیرالدین نویسندہ ، منجم،
ریاضیدان و حکیم ایرانی قرن ہفتم
ہجری است. وی از وزیران شیعه باتدبیر
زمان ہولاکو است کہ وی را تشویق بہ
ساخت رصدخانہ مراغہ کردہ است. از
معروف ترین کتاب ہای وی « اخلاق
ناصری » است. این کتاب در نہایت زیبایی
سخنان افلاطون و ارسطو را در حکمت
عملی بررسی کردہ است.

موضوع کتاب : اخلاقی و تربیتی است

حکایت شو، خطر کن!

امیر خراسان را پرسیدند که تو فردی فقیر و بی چیز بودی و شغلی پست داشتی، به امیری خراسان چون افتادی؟

گفت: روزی دیوان «حَنْظَلَةُ بادغیسی» همی خواندم، بدین دو بیت رسیدم:

مهتری گر به کام شیر در است شو، خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عزّ و نعمت و جاه یا چو مردانّت، مرگ رویاروی

داعیه‌ای در باطن من پدید آمد که به هیچ وجه در آن حالت که اندر بودم، راضی نتوانستم بود. دارایی‌ام بفروختم و اسب خریدم و از وطن خویش، رحلت کردم. به دولت صفّاریان پیوستم. هر روز برشکوه و شوکت و لشکر من افزوده می‌گشت و اندک‌اندک کارِ من بالا گرفت و ترقّی کرد تا جمله خراسان را به فرمان خویش درآوردم. اصل و سبب، این دو بیت بود.

چهار مقاله، نظامی عروضی



معنای واژگان مهم :

پست: کوچک و حقیر // مهتری: بزرگی // کام: دهان // خطر کردن: ریسک کردن ، خود را به خطر انداختن // عزّ: عزت ، ارجمندی // جاه: مقام ، درجه // داعیه: انگیزه // باطن: درون // وجه: شکل ، گونه // راضی: خشنود // رحلت: مهاجرت ، سفر // شوکت: شکوه ، بزرگی // ترقی: پیشرفت // جمله: همه // بالا گرفتن: پیشرفت کردن ، رشد کردن

دانشهای ادبی:

آرایه تکرار در بیت اول (شیر ، کام) // بزرگی ، جاه ، عز :مراعات نظیر // کار بالا گرفتن : کنایه از ترقی



○ معانی برخی از عبارت ها:

- **شغلی پست داشتی :** کاری ناچیز و حقیر داشتی.
- **بیت اوّل:** اگر بزرگی و شکوه در دهان شیر هم باشد برو و خود را به خطر بیانداز و آن را (بزرگی) از دهان شیر بیرون بیاور.
- **بیت دوم:** با این خطر کردن ، یا شکوه و عزت و ثروت و مقام به دست می آوری و یا مانند مردان با مرگ روبرو می شوی.(یا چون مردان مرگ رویاروی توست).
- **داعیه ای در باطن من پدید آمد:** انگیزه ای در درون من ایجاد شد. اندک اندک کار من بالا گرفت : کم کم اوضاع من پیشرفت کرد. جمله خراسان را به فرمان خویش در آوردم : همه خراسان را تحت فرمان خودم در آوردم.

نظامی عروضی نویسندہ و
شاعر قرن ۶ ہجری کہ کتاب
چهار مقالہ (مجمع النوادر) را
نوشت . این کتاب دربارہ چهار
گروہ از مردم (دبیران ، شعرا
، منجمان ، و طبیبان) نوشته
شدہ است .





خودارزیابی صفحه ۵۲

1- انسان به هنگام سخن گفتن دیگران ، به نکاتی باید توجه کند ؟

حرف کسی را قطع نکند ، در گفت و گوی دیگران دخالت و دقت نکند و به حرف دیگران دزدیده گوش نکند.

2- بیت زیر با کدام بخش درس ارتباط معنایی دارد ؟

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

این بیت سعدی با این بخش از درس (متن اول از قابوس نامه) ارتباط دارد « به غم مردمان ، شادی مکن تا مردمان نیز به غم تو شادی نکنند ، داد ده تا دادیابی ، خوب گوی تا خوب شنوی »

3- یک زندگی موفق دارای چه ویژگی هایی است ؟

برنامه ریزی شده ، تعاون و همکاری - آرامش خاطر - موفقیت در کارها



● نکته زبانی درس ششم :



● گروه فعلی (زمان حال) یا مضارع :

- همانطور که می دانید برای ساخت افعال مضارع نیاز به بن فعل مضارع داریم.
بن فعل مضارع از روش زیر به دست می آید:
مصدر (رفتن) حذف «ن» رفت (بن ماضی) حالت امر فعل (رو) حذف «ب»
از ابتدای فعل امر (گیر)
بنابراین در ساختار هر فعل مضارعی باید بن مضارع به عنوان پایه حضور داشته باشد.

● افعال مضارع در زبان فارسی به سه شکل می آید:

- ۱ - فعل مضارع التزامی: بر وقوع کاری در زمان حال با شک و تردید و یا شرط و آرزو دلالت می کند.

روش ساخت: ب + بن مضارع + شناسه مثال: شاید امروز رضا برود.
نکته ۱: گاهی فعل مضارع التزامی بدون نشانه «ب» می آید مثال: اگر به خانه روی (بروی) او را بینی.
نکته ۲: چون فعل مضارع فعلی است که هم زمان حال و هم بر آینده دلالت می کند لذا گاهی به جای فعل و یا زمان آینده به کار می رود. مثال: فردا با هم به مدرسه برویم. (البته باز هم فعل ، مضارع التزامی است)

نکته ۳: گاهی شکل فعل ممکن است التزامی باشد ولی در معنای اخباری است لذا باید آن را اخباری گرفت. روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم (می روم)

۲ - فعل مضارع اخباری:

این فعل بر انجام گرفتن کاری و بیان خبری در زمان حال دلالت دارد.
روش ساخت این فعل (می + بن مضارع + شناسه)

مثال: می روم

نکته ۱: گاهی این فعل بدون نشانه آغازین «می» می آید.

مثال: روزگاری دراز ، صفت ان گویی (می گویی)

نکته ۲: گاهی این فعل همراه با کلماتی می آید که دلالت بر آینده دارد ولی ساختار آن اخباری است. مثال: سال آینده ، چیزهای تازه ای می خوانیم. (اگرچه عبارت با «سال آینده» بکار رفته است ولی فعل ، مضارع اخباری است.

۳: مضارع مستمر (جاری)

این فعل بر جریان انجام کاری در زمان حال دلالت می کند.

روش ساخت: دار + شناسه + می + بن مضارع (دار + شناسه + مضارع اخباری)

مثال: دارم میروم

نکته: گاهی در برخی از تست ها دیده می شود که اجزای این فعل را جدای از هم می نویسند و دانش آموزان باید دقت کنند که آن را دو فعل به حساب نیاورند.

مثال: دارم امروز به مدرسه می روم.



نوشتن :

۱ - هم خانواده واژه های زیر را از متن درس بیابید و بنویسید:
اتهام:تهمت // اقناع : قانع // طعنه: طعن // استماع: مستمع // مقطوع: قطع
// مطلب: طالب //

مقتدر: قادر // مجتهد : جهد // اصیل: اصل

۲ - فعل های مضارع را مشخص کنید و نوع آن ها را بنویسید:

دارم می نویسم: مضارع مستمر // بخوانید: مضارع التزامی
به کار بندید: مضارع التزامی // بپیرایید: مضارع التزامی
بشوید: مضارع التزامی // می شود: مضارع اخباری
می شنود: مضارع اخباری // می آورد: مضارع اخباری

۳- عبارت زیر را در یک بند توضیح دهید:

« گوهر تن از گوهر اصل بهتر بود »

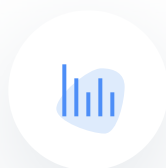
باتوجه به اینکه مقصود از گوهر تن همان خرد و دانش است و گوهر اصل ،
وراثت و اصل و نسب ، لذا عقل و خرد بر اصل و نسب و نسبت های نژادی
در نزد همه خردمندان برتری دارد

خدایا آن ده که آن به



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد